هو اللّه - ای ياران عبدالبهاء و بندگان جمال ابهی اكنون…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ۹۴

### هو اللّه

ای ياران عبدالبهاء و بندگان جمال ابهی اكنون كه قلب اين محزون چون فلك مشحون مستغرق تأثّرات گوناگونست بياد شما افتادم و آرزوی جان چنانست كه بياد ياران دلرا صفائی و جان را روح و ريحانی حاصل گردد زيرا در ظلمات هموم تسلّی خاطر ياران ذكر دوستانست و ياد مقرّبان درگه حضرت يزدان و چون بياد شما افتادم نفحه خوشی بمشام آمد و پرتوی روشن در اين شب يلدا بر افروخت حمد خدا را كه از صرف موهبتش عبادی خلق فرموده كه مظاهر حبّ و ولا و مطالع صدق و صفا و مشارق ودّ و وفا هستند يعنی قربانگاه عشق را فدائيان قديمند و نار عذاب و عقاب را خليل جليل همواره بذكر جمال قدم چون بحر موّاجند و در محافل ذكر الهی بمثابه سراج وهّاج گلشن محبّت اللّه را گل صد برگ خندانند و جنّت ابهی را شجر سبز خرّم ريّان بحر عرفان را صدف پر درّ درّی درخشنده‌اند و مطلع محبّت اللّه را كوكب ساطع رخشنده

بعد از صعود حضرت مقصود روحی لاحبّائه الفداء دمی نيارميدند و نفسی براحت نكشيدند سر ببالين ننهادند راحت دل و كام جان نجستند دمبدم آرزوی شهادت كبری كردند و همواره منتظر يوم فنا بودند اين نفوس سزاوار انتساب آستان مقدّسند و اين هياكل لائق عبوديّت درگاه مقدّس عبدالبهاء شب و روز از درگاه الهی مستدعی آنست كه هر يك از ياران آيت رحمن گردند و سبب صلح و سلام عموم شعوب و قبائل و اديان روح دوستی و راستی و آشتی در جسم امكان بدمند و هيكل ايجاد را برداء موهبت كبری بيارايند و اللّه هو المؤيّد الموفّق الكريم و عليكم التحيّة و الثناء ع ع

